

بررسی توزیع انواع منابع معرفت در میان مردم رشت با استفاده از نظریهٔ ماکس شلر

مرتضی مسرور^۱، وحید قاسمی^۲، حسن چاوشیان^۳، حمید عباداللهی^۴
(تاریخ دریافت ۹۵/۰۴/۱۵، تاریخ پذیرش ۹۶/۰۴/۰۹)

چکیده

شلر به هم‌زیستی سه‌نوع معرفت دینی و متافیزیکی و اثباتی در جامعه معتقد بود که هیچ‌گاه اقدامی تجربی جهت تعیین سهم این متغیرها در فضای معرفتی جوامع صورت نگرفته‌است. پژوهش حاضر، با هدف دستیابی به سهم و وزن نسبی انواع معرفت در شهر رشت از دیدگاه شلر انجام شده‌است. در نخستین گام، معرفت متافیزیکی، به دلیل سهم اندکی که نسبت به دیگر انواع معرفت داشته و نیز هم‌پوشانی نسبی‌اش با معرفت دینی و نیز فقدان نوعی شکل اجتماعی، به بیان شلری، کنار گذاشته شد. در بخش کیفی، برخی جنبه‌های حیات اجتماعی طی مصاحبه‌هایی به دو نمایندهٔ شناخته‌شده از دو نوع معرفت علمی و دینی، یعنی استادان دانشگاه و روحانیان، عرضه شد تا تفاوت‌های دو گروه در نظام‌های معنایی مربوط به این حوزه‌ها مشخص شود. پس از ۱۰ مصاحبه با روحانیان و ۱۷ مصاحبه با استادان دانشگاه، اشباع نظری مطلوب در

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) masroor.morteza@gmail.com

^۲ دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان v.ghasemi@ltr.ui.ac.ir

^۳ استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه گیلان hasanchavoshian@gmail.com

^۴ استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه گیلان hamid.ebadollahi@gmail.com

حوزه‌هایی نظیر خانواده (ترجیح تعداد فرزندان، تقسیم کار جنسی و روابط جنسی)، دین (وجوه فردی دین و تکثرگرایی)، سیاست، اوقات فراغت، اخلاقیات و باور به علم و انسان حاصل شد. سپس، با انجام پیمایشی با نمونه‌ای برابر با ۳۹۴ نفر در سطح شهر، سهم هریک از انواع معرفت‌در میان مردم مشخص شد. نتایج نشان داد که در ابعادی چون تکثرگرایی دینی، اخلاقیات و نگاه به علم، بیشتر پاسخگویان با استدلال‌های روحانیان موافق بوده‌اند و در دیگر حوزه‌ها غلبه با استدلال‌های استادان دانشگاه بوده‌است.

واژگان کلیدی: جامعه‌شناسی معرفت شلر، منابع معرفت، دین، علم.

بیان مسئله

نقل است که پس از شکست ایران در جنگ برابر قوای روس، عباس‌میرزا، از نماینده فرانسه درباره دلایل پیشرفت ایشان پرسید:

نمی‌دانم این قدرتی که شما اروپایی‌ها را بر ما مسلط کرده چیست، و موجب ضعف ما و ترقی شما چیست. شما در قشون جنگیدن و فتح کردن و به‌کاربردن تمام قوای عقلیه متبحرید و حال آنکه ما در جهل و شعب غوطه‌ور، و به‌ندرت آتیه را در نظر می‌گیریم (حائری، ۱۳۷۲: ۳۰۸).

امروزه، به‌نظر می‌رسد پس از گذشت بیش از یک‌سده، همچنان این پرسش به‌جای خود باقی است. طی این‌مدت، یکی از سؤال‌برانگیزترین مناقشات روشنفکران ایرانی، نسبت میان ایران و مدرنیته، یا به‌بیان ساده‌تر، امکان وجود نوعی مدرنیته ایرانی است که به رابطه بین ایران و جهان مدرن نظم بخشد و ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران را هم‌سو با جهان معاصر شکل دهد. براین‌اساس، برخی ایران را به‌دلیل «دین‌خویی» مردمش فاقد امکان دست‌یابی به مدرنیته دانسته و از «امتناع تفکر» و «ناپرسایی» این تمدن سخن گفته‌اند (دوستدار، ۱۳۷۰). برخی دیگر موقعیت تاریخی مؤثر بر امتناع اندیشه را موضوع بررسی خود قرار داده‌اند (طباطبایی، ۱۳۸۶). عده‌ای نیز با اعتقاد به وجود نوعی مدرنیته با «لهجه» یا «تجربه» ایرانی، لزوم بررسی جامعه ایرانی را با این‌رویکرد (وجود مدرنیته‌ای خاص و مختص) گوشزد کرده و از بی‌توجهی به «مدرنیته ایرانی» گفته‌اند (توفیق، ۱۳۸۵؛ میرسپاسی، ۱۳۸۴؛ آزادارمکی، ۱۳۸۰).

پرسشی که در این‌باب می‌توان مطرح کرد، این است که اکنون و پس از گذشت بیش از یک قرن از رویارویی ایران و مضامین مدرنیته، تا چه‌حد ارزش‌های مدرن در میان مردم این کشور جاری و ساری است و در کدام حوزه‌های حیات اجتماعی می‌توان اقبال را مردم به نوع خاصی از معرفت مشاهده کرد.

مطالعات جامعه‌شناختی معرفت معمولاً معرفت را تابعی از ساختارهای پهن‌دامنه اجتماعی و تحت تأثیر متغیرهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌دانند و خصوصاً در ایران، مطالعه ساختارمندی با موضوع منابع معرفت، که بدون شک، یکی از ارکان اساسی برای دسته بندی جوامع به سنتی و مدرن است، صورت نگرفته است. مطالعه حاضر می‌کوشد تا با استفاده از نظریه ماکس شلر، که پیوند نظام‌مند و منسجمی میان نظام ارزش‌ها و معرفت افراد برقرار می‌کند، سهم منابع معرفت در جامعه را مشخص کند و نحوه پیروی مردم این‌جامعه را از نوعی معرفت خاص تحت بررسی قرار دهد.

نکته حائز اهمیت در اینجا این است که با وجود دسته‌بندی ماکس شلر از انواع معرفت، که سه نوع دینی، متافیزیکی و علمی را شامل می‌شد، در مطالعات مقدماتی مشخص شد که معرفت متافیزیکی، به‌مثابه معرفتی مستقل، وزن زیادی در میان جمعیت تحت مطالعه ندارد و در تماس‌هایی که با مراکز اجتماعات متافیزیک‌محور در تهران برقرار شد، چنین مشخص شد که این مراکز، فعالیت خود را در استان گیلان، به‌دلیل استقبال نکردن مردم استان، متوقف کرده‌اند. در نتیجه، به‌دلیل در دسترس نبودن نمونه گروه مهم، امکان ارزیابی ملاک‌ها و عقاید این گروه از بین رفت و از سوی دیگر، به‌علت رواج نداشتن این نوع تفکر در میان مردم، ضرورت سنجش آن نیز منتفی شد. به‌علاوه، این معرفت (معرفت متافیزیکی) در کنار تفاوت‌های ماهوی با معرفت دینی، در نظریه شلر دارای مشابهت‌هایی با آن است. «ماکس شلر برای نظریه‌اش درباره متافیزیک و دین، عنوان نظام هم‌سازگاری را انتخاب می‌کند؛ زیرا متافیزیک و دین، با وجود تفاوت و استقلالی که نسبت به هم دارند، در وحدتی برتر به هم پیوسته‌اند» (ذاکرزاده، ۱۳۸۷: ۱۷۱). دلیل این امر، در کنار ویژگی روح انسانی، که قادر به انتخاب یکی از این دو و نفی دیگری نیست، مشابهت‌هایی موضوعاتی است که این دو نوع معرفت به آن ارجاع دارند. «دین راه خود را به‌منظور نایل شدن به امر مقدس آغاز می‌کند و به‌طور ثانوی درمی‌یابد که امر مقدس همان واقعیت مطلق است. متافیزیک به‌قصد یافتن امر واقعی که مطلق است گام برمی‌دارد و به‌طور ثانوی درمی‌یابد که امر مطلق همان امری است که باعث رستگاری انسان می‌گردد» (همان، ۱۷۴).

با توجه به این مشابهت، که در تحلیل‌هایی، این دو صورت معرفت را در یک سمت معادله و در برابر معرفت علمی-اثباتی قرار می‌دهد، استفاده نکردن از معرفت متافیزیکی و کافی دانستن دوگانه معرفت دینی در برابر معرفت علمی، موجه می‌نماید. در نتیجه، می‌توان این دو نوع معرفت را به‌طور کلی به‌مثابه انواع معرفت سنتی به‌کار برد که در برابر علم به‌منزله معرفت مدرن مطرح

می‌شوند. بنابراین، هدف اصلی پژوهش حاضر را می‌توان تلاش در جهت تعیین تفاوت‌های بین دارندگان منبع معرفت دینی و علمی در نگاه به برخی جنبه‌های حیات اجتماعی دانست. در صورت توانایی تشخیص این تفاوت‌ها، ضمن نسبت‌دادن آن به نوع معرفت غالب نزد شخص، می‌توان با انجام پیمایشی جامع، میزان و سهم هریک از انواع معرفت را در جامعه مطالعه کرد. در نهایت، با بررسی تعدادی از متغیرهای زمینه‌ای، می‌توان تأثیرپذیری معرفت غالب نزد شخص را از این متغیرها سنجید.

بررسی پیشینه

با وجود قدمت پرداختن به مفهوم منابع معرفت در جامعه‌شناسی، پژوهش مهمی جهت تعیین سهم و وزن هریک از انواع منابع معرفت در جامعه صورت نگرفته‌است و مرتبط‌ترین مطالعات در این حوزه را شاید بتوان تلاش‌های مربوط به تعیین وزن انواع یک نوع خاص از معرفت‌برای مثال انواع دین- و پیامدهای جمعی و اجتماعی آن دانست.

در چنین نگاهی، اهمیت موضوع دین برای جامعه‌شناسان، نه فی‌نفسه، بلکه به تبع تأثیراتی بوده‌است که بر حیات اجتماعی می‌گذاشته یا تأثیراتی که از آن می‌پذیرفته است (ذوالفقاری و محبی، ۱۳۹۳: ۱۵۳). برای مثال، در زمینه ارتباط بین انواع منابع معرفت، حمید پوریوسفی در رساله دکتری‌اش، که در سال ۱۹۸۴ در دانشگاه میشیگان غربی و با عنوان «تأثیر کالج بر دین داری دانش‌آموزان مسلمان در حال تحصیل در ایالات متحده» ارائه کرد، دین‌داری را در چهار بعد «اعتقادی، مناسکی، تجربی و پیامدی» (پوریوسفی، ۱۹۸۴: ۸۶) تحت بررسی قرار داد. او با ترکیب گویه‌های مربوط به این چهار بعد، شاخصی ارائه داد که میزان دین‌داری فرد را نشان می‌دهد. پوریوسفی بیان می‌کند که این پژوهش، همچون مطالعه گلاک، حاکی از نفوذ بیشتر بعد اعتقادی بوده‌است.

محمدرضا زمردی، تحقیق دیگری با هدف «بررسی پارامترهای اجتماعی مؤثر بر رابطه میان تحصیلات دانشگاهی و گرایش دینی و دنیوی در قالب بررسی رابطه میان تحصیلات دانشگاهی با گرایش دینی» انجام داده‌است که جامعه آن را دانشجویان دانشگاه گیلان تشکیل می‌دادند. این تحقیق در کنار بررسی شاخص‌های غربی سنجش دین‌داری، به ساختن مقیاسی متناسب با فرهنگ ایرانی پرداخته‌است تا کاستی‌ها و ناکارآمدی‌های موجود در این شاخص‌ها رفع شود و این نکته با اهمیت‌ترین ویژگی تحقیق است؛ به گونه‌ای که در بخشی از آن می‌خوانیم: «۲۳ درصد از دانشجویانی که طبق این شاخص [شاخص غربی] دین‌داری بالایی دارند (۶۱ نفر)، مخالفتی با رابطه جنسی قبل از ازدواج ندارند. به‌گمان اینجانب، بیان صرف همین نتیجه برای

برملاکردن دقت پایین این شاخص و غیرقابل استفاده بودن نتایج آن کافی می‌باشد» (زمردی، ۱۳۸۲: ۸۱). در این تحقیق، متغیرهایی چون سن، جنس، خاستگاه اجتماعی (که خود از سه متغیر شغل پدر، سطح تحصیلات پدر و متوسط درآمد ماهیانه خانواده تشکیل شده‌است)، نوع رشته تحصیلی و مدت تحصیل در دانشگاه، در جایگاه متغیرهای مستقل به کار گرفته شدند. از این میان، متغیرهای سن و جنس فاقد ارتباط معنادار با متغیر دین‌داری بوده‌اند. در بخش دیگری از این تحقیق می‌خوانیم که اعمالی همچون صدقه‌دادن، نذرکردن، دعا و زیارت، حتی در میان افرادی که گرایش سکولاریستی زیادی دارند، نیز مشاهده می‌شود که محقق آن را به ریشه‌داشتن این رفتار در سنت ایرانی نسبت می‌دهد و ازسویی دیگر، آن را محصول فقدان عقلانیت به معنای غربی می‌داند و راهنمایی جهت دستیابی به الگویی بومی برای سکولاریسم ایرانی برمی‌شمارد (زمردی، ۱۳۸۲: ۹۶-۹۷). آنچه درنهایت از تحقیق نتیجه گرفته می‌شود این نکته است که برخی شاخص‌ها و عناصر سکولاریسم به معنای غربی آن در جامعه تحت مطالعه نسبت به تحقیقات مشابه پیشین رشد داشته‌اند. هرچند محقق، خود، امکان تعمیم یافته‌های تحقیق را به جامعه یا حتی دانشجویان دانشگاه‌های دیگر نفی می‌کند. باین حال، این حد از بررسی رابطه بین دو نوع معرفت، که با مستقل در نظر گرفتن یکی، تغییرات دیگری را می‌کاود، دقیق‌ترین سطح تحقیق جامعه‌شناسانه‌ای بود که در این زمینه به چشم خورد.

مسرور (۱۳۸۸) در مطالعه خود، با سنجش انواع دین‌داری در میان دانشجویان دانشگاه گیلان، با استفاده از الگوی شجاعی‌زند (۱۳۸۴)، که دین‌داری را در سه نوع کلی دین‌داری باطنی، دین‌داری شریعتی و دین‌داری اجتماعی دسته‌بندی کرده‌بود، به این نتیجه رسید که افراد با دین‌داری اجتماعی، که دین را در پیوند با مظاهر جمعی و از رهگذر تعاملات بین‌فردی با دیگران برمی‌گزینند، بیشترین هم‌سویی را با ارزش‌های دموکراتیک داشته‌اند. با توجه به نمونه‌های ذکرشده، مشخص می‌شود که پژوهش حاضر از دو جنبه منحصربه‌فرد است: نخست، اینکه در سنجش منابع معرفت، تنها به یک نوع آن (برای مثال دین) پرداخته نشده‌است و دوم، اینکه در رابطه بین دو متغیر، نه نگاه تأثیر و تأثری (مثلاً تأثیر دانش علمی بر دین‌داری افراد)، بلکه نوعی هم‌زمانی میان این دو سنجیده شده‌است.

پیشینه نظری

به لحاظ نظری، پیشینه این تحقیق را می‌توان در تلاش آگوست کنت برای تقسیم‌بندی جوامع در طول تاریخ جست. او در طرح‌بندی خود از مراحل‌ای که هر جامعه‌ای در مسیر تکامل خود از آن می‌گذرد، از مراحل رتانی، متافیزیکی و اثباتی به مثابه گام‌های لازم برای رسیدن به نقطه

نهایی یاد می‌کند. او «قانون مشهور مراحل سه‌گانه‌اش را در جهت برقرار ساختن ارتباطی نزدیک میان انواع ساختارهای اجتماعی و انواع معرفت بیان کرد که می‌توان آن را بخشی از جامعه-شناسی معرفت به حساب آورد» (کوزر و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۲). کنت حتی یک نظریهٔ تکامل فرهنگ انسانی و اجتماعی بر اساس گونه‌شناسی انواع معرفت پدید آورد که در آن، شناخت مذهبی ابتدایی‌ترین شکل، مابعدالطبیعه (فلسفه) مرحلهٔ میانی، و علم اثباتی سومین و پیشرفته‌ترین سطح شناخت انسان دانسته شده بود: شناختی رهایی‌بخش که فراتر از دو مرحلهٔ نازل‌تر بود؛ چون انسان را قادر می‌ساخت «ببیند تا بتواند پیش‌بینی کند». به تعبیر او، «در مرحلهٔ دینی، افراد به دنبال یافتن علت‌ها هستند، در مرحلهٔ مابعدالطبیعی آنان موجوداتی انتزاعی برمی‌سازند و در مرحلهٔ اثباتی، قواعد را ابداع می‌کنند» (پیکرینگ، ۲۰۰۹: ۳). نزد کنت، پیوندهای معرفتی در صیوررتی تاریخی به تکمیل این فرآیند کمک کرده‌اند؛ مثلاً، او در دیدگاهی کلی در باب اثبات‌گرایی، تأثیر دو نوع معرفت دینی و ایدئولوژیک را در شکل‌گیری و هدایت اروپا به سوی اثبات‌گرایی بررسی کرد:

بخش عظیمی از جمعیت امپراتوری روسیه، که از فئودالیسم کاتولیک بیرون گذاشته شده بودند، به فضل مسیحیت خود، بدون توجه به اغتشاشات مربوط به قدرت مادی و معنوی‌شان، جایگاه نخست را در میان کشورهای یکتاپرست شرق داشتند. آشنایی روسیه با جنبش غربی، از طریق دو کشور میانی صورت گرفت: یونان، که به واسطهٔ دین با روسیه پیوند داشت، و لهستان، که به لحاظ سیاسی با آن متحد بود. با وجود آنکه هیچ‌یک از این کشورها از نظر ساختاری با روسیه هم‌گن نبودند، و این موجب تأخیر جدی در رواج اثبات‌گرایی شد، اما در نهایت، این فرآیند به پایان رسید. گام بعدی، یکتاپرستی اسلامی^۱ است؛ نخست، در ترکیه و پس از آن در ایران. در اینجا اثبات‌گرایی با اشتراکاتی روبه‌رو شد که در کاتولیسیسم امکان آن وجود نداشت. تمدن عرب علم یونانی را به ما منتقل کرد و این همواره جایگاه رفیعی را در میان عناصر ضروری شکل‌دهندهٔ نظام قرون‌وسطایی برای این تمدن محفوظ می‌دارد که ما آن را [مرحله] آماده‌شدن برای اثبات‌گرایی می‌دانیم. در نهایت، به چندخدایی هند می‌رسیم و با ایشان، اتحاد نژاد سفیدپوست تکمیل می‌شود. گرچه از میان علت‌های پیش‌بینی‌شده، دین سالاری در هند نقش ایفا کرد، نشانه‌هایی جدی از ارتباط با اثبات‌گرایی نیز به چشم می‌خورد و در این زمینه، یاری ایران بسیار مدد رسان بود (کنت، ۲۰۰۹: ۴۱۷-۴۱۸).

^۱ Mohammedan Monotheism

نقطه ضعف کنت را می‌توان در نگاه خطی‌اش دانست که به نوعی غایت‌مندنگاری قائل است. او با استفاده از تمثیلی ارگانسمی، بیان می‌کند که «ما در کودکی خود افرادی خدا‌باوریم، در دوره نوجوانی به متافیزیک روی می‌آوریم، و در بزرگسالی علم‌گرا/اثبات‌گرا می‌شویم» (ورنیک، ۲۰۰۳: ۶۱). از این تعبیر، دو نکته دریافتنی است: نخست، اینکه این مراحل به‌زعم او در راستای یکدیگر قرار می‌گیرند و برای رسیدن به یک مرحله، راهی غیر از پشت‌سر گذاشتن مرحله پیشین وجود ندارد. دوم، اینکه در روند کلی، مسیری روبه‌رشد در انتظار جوامع است و دین محو‌بودن به‌منزله نوپا‌بودن جامعه و رسیدن به مرحله اثباتی به‌معنای حداکثر کمال آن است. درمقابل، شلر معتقد است که «باید مذهب، فلسفه و علم اثباتی را چون سه‌شیوه مستقل و هم‌ارزش شناخت در نظر بگیریم» (همیلتون، ۱۳۸۰: ۱۳۵-۱۳۴) و هیچ جامعه و حتی هیچ فردی را نمی‌توان یافت که عاری از یکی از انواع معرفت یا منحصرأ دارای یکی از آنها باشد. درواقع، درحالی که نکته مهم در نظریه کنت، ناممکن‌بودن هم‌زمانی دو نوع معرفت است، به گونه‌ای که با رسیدن جامعه به هر مرحله، معرفت یا معرفت‌های پیشین مشروعیت خود را از دست می‌دهند، این نگاه مرحله‌ای، در نظریه شلر جای خود را به نوعی امکان هم‌زیستی می‌دهد. شلر با پذیرش این تقسیم‌بندی، هر جامعه را در هر مرحله‌ای دارای هر سه نوع معرفت می‌داند. به‌گمان شلر:

نه چنین است که فقط یک مرحله در تمام تاریخ وجود داشت آنچه ماتریالیسم تاریخی می‌پندارد- و نه می‌توان پذیرفت که آن سه مرحله به‌صورت خطی و استکمالی بود، به‌صورتی که آگوست کنت ترسیم می‌کرد، بلکه همه انواع معرفت، به‌دلیل وجود سوانق آنها در جامعه، همیشه وجود دارند، ولی ترکیب عوامل واقعی و معنوی (کیفیت ارتباط با ساختار سائق و ساختار معنوی) در هر زمان و مکان، یکی از آنها را به عرصه آورده، بر اریکه برتری می‌نشانند (ربانی و ماهر، ۱۳۹۲: ۳۵).

باشلار نیز همین امکان هم‌زمانی را در ذهن دارد، وقتی بیان می‌کند:

از دانشمندان می‌خواهیم به ما حق دهند که لحظه‌ای علم را از کار مثبتش، از اراده عینیت‌گراییش، بازداریم تا بتواند پس‌مانده‌های ذهنی‌ای را که در سخت‌گیرانه‌ترین روش‌ها هنوز باقی مانده‌اند، کشف کند. ذهن می‌تواند اعتقاد

مابعدالطبیعی‌اش را تغییر دهد، اما نمی‌تواند از متافیزیک چشم‌پوشی کند
(باشلار، ۱۳۸۵: ۳۴).

توجه به تمایز ذکرشده درباره هم‌زمانی علم و انواع دیگر معرفت، یادآور دیدگاه نیچه در این زمینه است که به‌طور خلاصه، معتقد بود: «مسئله فقط بر سر درجات و کمیّات است. آدمیان همگی دارای سرشتی هنری، فلسفی، علمی و غیره‌اند» (نیچه، ۱۳۸۹: ۹۰).

به‌طور کلی، ماکس شلر در جامعه‌شناسی معرفت چند هدف مهم را دنبال می‌کند:
اول، او می‌خواهد نشان دهد که عقل فاقد هرگونه صور و اصول مطلق و از نظر تاریخی ثابت است (البته، مراد از عقل مفهوم صوری آن نیست بلکه مفهوم ذهنی و نامشروط آن است). بنابراین، برای مثال، منطق جهات کانتی فقط نماینده تفکر اروپایی به‌شمار می‌آید تا مقولاتی که بر همه انسان‌ها معتبر است، به‌ویژه آنان که کتابت ندارند. دوم، شلر می‌خواهد جریان تحول معرفت و صور متعدد قابل تمایز آن را در طول تاریخ کشف کند. سوم، می‌خواهد بر تمامی رمز و رازگویی، تاریکاندیشی، پوزیتیویسم و تعصبات سازمان‌های دینی فائق آمده و به این طریق راه را برای تفکر مابعدالطبیعی واقعی باز کند و اعتبار آنها را محقق سازد. چهارم، او می‌خواهد عوامل مؤثر در علیّت تاریخی را مشخص سازد و به جزءنگری نظریه‌های طبیعت‌گرای تاریخ-تعیین اقتصادی (مارکسیستی)، همچنین تصورات ایدئولوژیکی (هگلی) و علمی یا فکری (کنتی) غلبه کند. پنجم، او از اهمیت نگرش عملی و تکنولوژیکی انسان جدید نسبت به کنترل و تسلط بر جهان و طبیعت (در تقابل با نگرش‌های محض نظری و تأملی) آگاه است، به‌ویژه از لحاظ ارتباطی که این نگرش با نقاط شروع اهداف و صور نامشروط معرفت از جهان داشته و دارد. هدف غایی مورد نظر او فرهنگ جدید معرفتی است؛ یعنی وحدت معرفتی که در جهان مادی مفید است با معرفتی که در متن عقل سلیم، انسان با فرهنگ را خلق می‌کند و سپس وحدت نهایی این دو نوع تحت هدایت و رهنمونی معرفت مابعدالطبیعی رستگارکننده. به‌طور خلاصه، هدف او ترکیب جهان‌بینی یک‌سویه تکنولوژیک پراگماتیک و فعال غرب با فرهنگ معنوی شرق است (بکر و اوتودالک، ۱۳۶۷: ۳۸-۳۷).

او در صورت‌بندی خود از انواع معرفت، مانند کنت، سه گونه مجزا را باز می‌شناسد: معرفت دینی، معرفت متافیزیکی و معرفت اثباتی. در معرفت دینی، انگیزش اساسی انسان صیانت از ذات از طریق رستگاری است. هدف این معرفت را می‌توان دست‌یابی به رستگاری از طریق ارتباط با خدا دانست. شخصیت اساسی در این حوزه نیز رهبر فرهمند یا قدیس است و شکل اجتماعی غالب آن نیز در هیئت کلیسا، فرقه یا انجمن رخ می‌نماید. معرفت مابعدالطبیعی انگیزش اساسی خود را از واقعیت وابسته به وجود مطلق می‌گیرد؛ یعنی از توجه به واقعیت

موجود از حیث آنکه چرا معدوم نیست. هدف از این نوع معرفت رسیدن به خرد از طریق شهود است که متولی آن در جامعه حکیمی خردمند است و شکل اجتماعی آن را می توان در قالب مکتب دید. در سومین نوع معرفت، یعنی علم اثباتی، انگیزش اساسی، نیاز به مهار کردن طبیعت و خود است. هدف این نوع معرفت دست یافتن به تصویری از جهان با دقیق ترین ابزار ممکن است که او آن را برآمده از استقراء و قیاس می داند. شخصیت محوری در این نوع معرفت پژوهشگر یا دانشمند است که در شکل اجتماعی خاص آن، یعنی جمهوری علمی بین المللی، به فعالیت می پردازد (همیلتون، ۱۳۸۰: ۱۴۵). پرسشی که شلر در اینجا پیش می نهد، این است که «آیا هیچ نظم ترتیبی عینی میان سه هدف اصلی "شدن" که معرفت در خدمت آن است وجود دارد؟» و خود پاسخ می دهد که:

به عقیده من، یک نظم وجود دارد که بسیار واضح و آشکار است. خط سیر این نظم ترتیبی بدین شرح است: از معرفت "سلطه گرانه" که در خدمت تغییر دادن شکل جهان و ابزارهای ممکن است که به وسیله آنها می توانیم جهان را تغییر دهیم، به سمت "تهذیب فرهنگی" که از طریق آن، به شیوه خاص و منحصر به فرد خود، وجود و جوهر شخص روحانی درون خود را به شکل جهانی کوچک شکوفا می کنیم که در آن در پی مشارکت در کلیت جهان، یا دست کم، بنابر ویژگی های ساختاری ذاتی آن هستیم. سپس، از "تهذیب فرهنگی" به سمت "معرفت رهایی بخش" حرکت می کند؛ یعنی به سوی معرفتی حرکت می کند که در آن، بخش هسته ای شخصیت ما در پی مشارکت در والاترین وجود و اساسی ترین چیزهاست، تاجایی که این اساس خود و جهان درونمان را "بشناسد" و از طریق ما به هدف جاویدان خود، یعنی شدن، برسد و به نوعی آشتی با خود، رهایی از "تنش" و "ضدیت های بدوی" نهفته در آن دست یابد (شلر، ۱۹۷۷).

به بیان ساده تر:

در سلسله مراتب ارزش ها، پایین ترین ارزش را دانش حکومت دارد و دانش آموزش و پرورشی شخص دارای ارزش بالاتری است که بر فراز آن دانش رستگاری جای دارد. توسط این دانش، ما تشخیص می دهیم که با خداوند یکسانیم و در شکوفایی و ارتقای او سهیم می باشیم. مطابق این عقیده شلر، انسان از درون خداوند آگاهی دارد. در این مورد او با اسپینوزا، هگل و ادوارد فون هارتمن هم عقیده است (ذاکرزاده، ۱۳۸۷: ۲۰۸).

تفکر شلر، حول نوعی درک غیرصوری از ارزش ها به مثابه شیوه ای برای درک شخصیت انسان و جامعه متمرکز است. شلر، در میان جامعه شناسان، یکی از نخستین کسانی بود که

نگاهی ذات‌گرایانه به مقوله ارزش‌ها را برگزید (بودن، ۱۳۸۴: ۳۸۹). البته، به‌رغم آنکه استدلال شلر در باب نقش ارزش‌ها برآمده از خاستگاهی فلسفی است، بسیاری از بینش‌های او دارای اهمیت جامعه‌شناختی‌اند؛ مثلاً، او معتقد است که "عالم"^۱ ارزش‌های سلسله‌مراتبی، در "عالم" چارچوب‌های ارجاع منعکس و بازنمایانده شده‌اند که واحدهای اجتماعی و افراد را در زندگی روزمره هدایت می‌کنند. در نتیجه، "محیط اجتماعی"^۲ که ما زندگی روزمره خود را در آن می‌گذرانیم، به‌وسیله "شخصیت گروهی"^۳ یا تمایلات پایداری ساختار می‌یابد که ما به محیط اطراف خود مرتبط می‌کنیم و به‌شکل مؤثری الفبای زیست جهان را به‌دست می‌آوریم. محیط اجتماعی، به‌معنای شلری، فی‌نفسه، بر نوعی ترکیب‌بندی معنا و کنش دلالت دارد که ما با خود حمل می‌کنیم و به‌طور مؤثری بیشتر و درعین‌حال کمتر از محیط بی‌واسطه محتوا دارد. محتوای بیشتری دارد، تاحدی که به اشیاء و اتفاقات دور و غایب از ما مرتبط می‌شود و محتوای کمتری دارد، زیرا عناصری از محیط بی‌واسطه را که ربط عملی به ما ندارند فیلتر می‌کند. شلر محیط اجتماعی را در ساختار معرفتی خود نوعی «دیدگاه نسبتاً طبیعی درقبال جهان» تعریف می‌کند. طبیعی است، بدین‌معنا که ساختارهایی از معنا فراهم می‌کند که بی‌چون‌وچرا و توجیه ناپذیرند. نسبی است، زیرا محتویات این چارچوب‌های مرجع در محیط‌های اجتماعی هم‌زی^۴ و نیز در میان اعصار تاریخی تغییر می‌کنند. به‌علاوه، به‌عقیده شلر، محیط‌های اجتماعی انسانی تثبیت‌شده و ثابت نیستند، بلکه باید در بستر متغیر بیرونی، فعالانه، به بقای خود ادامه دهند. شلر در یادداشت‌های انسان‌شناختی خود بین محیط اجتماعی انسانی و محیط حیوانی تفاوت قائل می‌شود. در اینجا، تأکید می‌کند که ما در مقام یک "شخص"^۵ دارای "روح"^۶ فراتر از "غریزه"^۷ و "اندیشه عملی"^۸ قادریم از محیط اجتماعی خود استعلا کنیم، حتی اگر این امر موقتی باشد. این قابلیت انسانی "خود-استعلائی"^۹ خود را آشکار می‌سازد؛ برای مثال، در قابلیت‌های طنز و کنایه. این همان چیزی است که شلر از آن به "بازبودگی در برابر جهان"^{۱۰}

¹ Macrocosm

² Milieu

³ Ethos

⁴ Coexisting

⁵ Person

⁶ Spirit

⁷ Instinct

⁸ Practical Intelligence

⁹ Self-transcendence

¹⁰ World-Openness

یاد می‌کند و آن را گرایش موجودات انسانی به دست‌یافتن به بیرون از هر محیط معین توصیف می‌کند (ریترز، ۲۰۰۵: ۶۷۳).

به‌طور خلاصه، می‌توان گفت در این تحقیق، به‌تأسی از شلر، معرفت رابطه‌ای هستی‌شناختی و از جنس بودن در نظر گرفته می‌شود که درنهایت به عشق بازمی‌گردد. به‌زعم او، این عشق است که تعیین می‌کند توجه ما معطوف به چه چیزی شود. در نظریه شلر، سه‌نوع معرفت، اهداف مخصوص به خود را دارند و در هرکدام از آنها، عشق جهان را به‌گونه‌ای متمایز در برابر فرد می‌گشاید. چنان‌که مرکزیت‌یافتن ارزش‌های مادی در نظام سرمایه‌داری، اقتصاد و اندیشه سود و زیان را به محوری‌ترین ارزش و مایه دلبستگی تبدیل کرده است. ازسوی دیگر، ارتباط میان انواع معرفت را باید برحسب منابع هریک از آنها درک کرد که جهان را به‌شکلی خاص برای دارنده خود معنادار می‌کند و معرفت یا حقیقت را به‌شکلی خاص برای او تعریف می‌کند. در نتیجه، گروه‌های دارنده این انواع گوناگون، بنابر ماهیت خود، جهان را به‌شکلی متفاوت درک می‌کنند. بدین‌ترتیب، می‌توان خطوط کلی پژوهش حاضر را چنین طراحی کرد: راه‌یافتن به نظام ارزشی افرادی که براساس نظریه شلر شخصیت‌های مهم در یک نوع خاص از معرفت به شمار می‌روند، از طریق مقوله‌بندی استدلال‌های مربوط به برخی شئون زندگی اجتماعی و سپس، تعیین سهم هریک از این معرفت‌ها در جامعه.

روش‌شناسی تحقیق

روش پژوهش حاضر را می‌توان ترکیبی دانست که با استفاده از الگوی توسعه ابزار به انجام می‌رسد.

از این مدل زمانی استفاده می‌شود که محقق بخواهد یک ابزار کمی را برای یافته‌های کیفی توسعه داده یا کامل کند. در این طرح، محقق ابتدا به‌طور کیفی موضوع تحقیق را با تعدادی مشارکت‌کننده واکاوی می‌کند. سپس، یافته‌های کیفی، توسعه واژگان یا مقیاس‌های ابزار پیمایش کمی را میسر می‌سازند. در مرحله دوم تحقیق، محقق این ابزارها را به‌شکل کمی به‌کار برده و معتبر می‌نماید. در این طرح، روش‌های کمی و کیفی از طریق توسعه نوع ابزار به‌هم مرتبط می‌شوند. محققانی که از این مدل استفاده می‌کنند، غالباً بر بعد کمی مطالعه تأکید دارند (محمدپور، ۱۳۸۹: ۹۵).

در این پژوهش نیز هدف از بخش کیفی، دست‌یافتن به ابعاد و ویژگی‌های متغیرهای تحقیق است و در ادامه، با انجام کار پیمایشی، می‌توان به شناختی تعمیم‌پذیر از جامعه دست یافت.

در مرحله کیفی، از شیوه نمونه‌گیری هدفمند استفاده می‌شود. در این مرحله تلاش می‌شود تا اشخاصی که از نوع خاصی معرفت بهره بیشتری برده‌اند یا بدان منتسب هستند تحت مطالعه قرار گیرند تا ابعاد و ویژگی‌های آن نوع متغیر تا حد امکان مشخص شود. در برخی متون، از این روش به منزله «نمونه‌گیری از افراد مهم»^۱ نیز یاد شده‌است که در آن، «محقق در پی انتخاب افرادی است که از لحاظ پدیده مورد نظر مهم هستند. محقق، خصوصاً، در پی ارائه یک داستان خوب است که بتواند ابعاد مهم پدیده را روشن نماید» (ادیب حاج‌باقری و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۵). در مرحله کمی و با توجه به وسعت و حجم جامعه آماری (افراد بالای ۱۸ سال شهر رشت که براساس آخرین سرشماری برابر با ۲۰۸۰۲۸ نفرند)، مناسب‌ترین شیوه، استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به‌نظر می‌رسد.

چنان‌که اشاره شد، جامعه آماری پژوهش حاضر را شهروندان بالای ۱۸ سال شهر رشت تشکیل می‌دهند. دلیل اصلی این انتخاب، نزدیکی مکانی و امکان دسترسی به جامعه آماری بوده‌است، علاوه بر آنکه هدف اصلی پژوهش، آزمودن فرضیه اساسی محقق بوده و عوامل محیطی تأثیر چندانی در اولویت مکانی خاص نداشتند. دلیل مراجعه به افراد بالای ۱۸ سال نیز به‌دست‌آوردن اطلاعاتی مطمئن است. برای تعیین حجم نمونه در بخش کمی، از فرمول کوکران استفاده شد. در این فرمول، با استفاده از سطح اطمینان، میزان خطای پذیرفتنی و میزان پراکندگی متغیر موردنظر در جامعه، و حجم نمونه مناسب محاسبه می‌شود. نحوه انجام محاسبه عبارت است از:

$$n = \frac{pq \cdot z^2}{E^2}$$

در این فرمول، n حجم نمونه؛ و pq برآورد پراکندگی یا واریانس متغیر موردنظر در جامعه است که در اینجا، بیشترین واریانس ممکن ۰٫۵ در نظر گرفته شده‌است؛ E نشان‌دهنده حداکثر خطای پذیرفتنی (۰٫۰۵)؛ و Z نمره استاندارد برآمده از سطح اطمینان (۱٫۹۶) است. برای نمونه‌گیری نیز نخست، نقشه شهر رشت به ۳۳ خوشه تقسیم شد و سپس، از میان این خوشه‌ها، به‌طور تصادفی، ۸ خوشه برگزیده شد و در میان آنها با استفاده از روش تصادفی، داده‌ها جمع‌آوری شد. با توجه به اینکه به هر خوشه ۵۰ پرسش‌نامه اختصاص یافته بود، به‌طور کلی، ۴۰۰ پرسش‌نامه توزیع شد که از این میان، ۳۹۴ پرسش‌نامه عودت داده شد. با توجه به اینکه ۱۰ پرسش‌نامه مازاد آریبی به اندازه ۰٫۰۲۵ به یافته‌ها وارد می‌کند، می‌توان از این مقدار خطا چشم‌پوشید و در نتیجه تمام پرسش‌نامه‌ها مبنای محاسبات آماری قرار گرفتند.

^۱ Critical Cases Sampling

در بخش کیفی، از ابزار مصاحبه عمیق استفاده شد. هر مصاحبه بین ۴۰ دقیقه تا یک ساعت به طول انجامید. در طراحی پرسش‌های مصاحبه از رویکرد نهادی استفاده شد و با توجه به نظریه شلر، که معتقد است محیط اجتماعی از طریق شکل دادن به شخصیت گروهی یا تمایلات پایداری که رابطه فرد با محیط اطرافش را شکل می‌دهد، تعریف می‌شود، به پرسش از چندین محوری اقدام شد که قادر به ایجاد تمایز بین دو گروه استادان دانشگاه و روحانیان بودند. این محورها عبارت‌اند از خانواده، دین، سیاست، اوقات فراغت، اخلاقیات و علم. سپس، در هر محور، با پرسش درباره چرایی نگرش افراد به موضوعات خاص، اساسی‌ترین شیوه استدلال افراد و نظام معنایی‌ای که حوزه‌های گوناگون را برای آنان شکل می‌دهد بیرون کشیده شد. پس از ۱۰ مصاحبه با روحانیان و ۱۷ مصاحبه با استادان دانشگاه، اشباع نظری مطلوب جهت برساختن پرسش‌نامه به دست آمد.

جدول ۱. محورها و ابعاد سنجیده شده برای تمایز انواع منابع معرفت

محورها	ابعاد
خانواده	۱- حجم مطلوب برای خانواده از دیدگاه شما چند نفر است؟ چرا؟
	۲- آیا تقسیم کار جنسیتی در منزل شما وجود دارد؟ چرا؟
	۳- آیا دموکراسی در تصمیم‌گیری‌های شما در منزل رعایت می‌شود؟ چرا؟
	۴- آیا مفهوم حیا برای مرد با زن متفاوت است؟ چرا؟
	۵- آیا رابطه پیش از ازدواج برای مردان و زنان ممکن است به یک اندازه مضر باشد؟ چرا؟
دین	۶- آیا با تقسیم‌بندی جنسیتی حوزه‌ها و رشته‌های علمی موافق هستید؟ چرا؟
	۷- آیا می‌توان تنها به ابعاد فردی دین پرداخت و همچنان فرد دین‌داری بود؟ چرا؟
	۸- آیا وجود تکثر دینی در جامعه را امری مفید می‌دانید؟ چرا؟
سیاست	۹- به نظر شما، رأی دادن در انتخابات، بیشتر به منزله وظیفه برای فرد تعریف می‌شود یا حق؟ چرا؟
	۱۰- جالب‌ترین رویداد سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی اخیر در ایران به نظر شما چه بوده؟ چرا؟
اوقات فراغت	۱۱- اگر امکان آن را داشتید که بدون محدودیت به هر جای جهان سفر کنید، اولین گزینه‌ای که انتخاب می‌کردید کجا بود؟ چرا؟
	۱۲- آیا از موسیقی استفاده می‌کنید؟ چرا؟
اخلاقیات	۱۳- به نظر شما معیار خیر یا شر بودن یک امر چیست؟ ارزش‌های غایی یا پیامد آن؟ چرا؟
	۱۴- اگر این دو با یکدیگر در تعارض باشند کدام یک برای شما اولویت دارد؟
	رشوه دروغ
نگاه به علم	۱۵- نظر شما درباره علم چیست؟

بررسی توزیع انواع منابع معرفت.....

با مقایسه استدلال‌های موجود در پاسخ‌های دو گروه، بنیادی‌ترین ارزش‌های شکل‌دهنده به این استدلال‌ها استخراج شد و برای طراحی پرسش‌نامه، بخش کمی، به کار رفت. بدین ترتیب که همین پرسش‌ها در برابر مردم شهر نهاده شد و از ایشان خواسته شد تا گزینه‌ای را که نزدیک‌ترین استدلال به طرز تفکر آنان را نشان می‌دهد مشخص کنند. ابعادی نیز که قادر به تمییز بین دو گروه نبودند و تفاوت‌های موجود در پاسخ‌های دو گروه در آنها اندک بود، در این مرحله کنار گذاشته شدند. در جدول ۲ محورهای استخراج‌شده از پاسخ‌های روحانیان مرتب شده‌اند.

جدول ۲. گویه‌های تشخیص صاحبان منبع معرفت دینی

بعد	پاسخ‌های الگویی
۱	تا جایی که از هر جنس حداقل دو فرزند داشته باشند هرچه بیشتر، بهتر
۲	پیامبر اسلام نیز بر تقسیم کار بین زوجین تأکید داشتند کار خانه را باید زنان انجام دهند.
۵	الگوهای دینی و تاریخی ما همیشه در کار منزل به همسر خود کمک می‌کردند انتظار چنین عملی، از یک دختر، کمتر از پسر است آینده دختر با چنین کاری تباه می‌شود
۷	دین‌داری فردی یکی از قرائت‌های انحرافی از دین است دین بنا بر ذات و ماهیت خود، امری جمعی است هنگامی که صاحب دین، آن را به‌طور کلی و جامع در اختیار بشر قرار داده، فرد نمی‌تواند بخش‌هایی از آن را به دلخواه خود کنار بگذارد
۸	دین اسلام و مذهب تشیع بهترین و کامل‌ترین دین و مذهب هستند و نیازی به وجود ادیان دیگر نیست پیامبر و ائمه اطهار با اقلیت‌های دینی مدارا می‌کردند تا زمانی که اقلیت‌ها در پی برهم‌زدن نظم جامعه نباشند
۹	ما وظیفه داریم که اصلح را انتخاب کنیم این یک وظیفه شرعی است
۱۱	سفرهای زیارتی
۱۳	از گفته‌های مراجع دینی اصل ذات عمل یا نیت فاعل است تطبیق عمل با سیره پیامبر و ائمه اطهار
۱۵	علم، باید همیشه تحت نظارت و هدایت و راهنمایی دین باشد تا به‌درستی عمل کند به‌کارگیری درست علم، موجب درک بهتری نسبت به آموزه‌های دینی می‌شود نوآوری‌های علمی، می‌توانند موجب پویایی بیشتر در نهاد دین شوند علم نمی‌تواند خیلی از مشکلات انسان‌ها را حل کند

استادان دانشگاه نیز به این پرسش‌ها با چنین الگوهای استدلالی پاسخ گفتند:

جدول ۳. گویه‌های تشخیص صاحبان منبع معرفت علمی

بعد	پاسخ‌های الگویی
۱	حداکثر دو فرزند
	بستگی به توانایی برآورده کردن نیازهای عاطفی و ذهنی دارد هیچ فرزندی
۲	با توجه به توانایی زن و مرد در خانه تقسیم کار وجود دارد.
	زن و مرد هر دو انسان‌هایی با نیازها و حقوق برابر هستند و باید به‌طور برابر در امور زندگی نقش ایفا کنند کار در خانه وظیفه زن نیست و او حق دارد برای کار در خانه از مرد دستمزد بگیرد
	همکاری در امور منزل، سبب لذت‌بردن از زندگی مشترک و شکوفاشدن عشق و محبت می‌شود
۵	در جامعه ما محدودیت‌های زنان بیشتر از مردان است
	برای هر دو زشت است
	در عرف و فرهنگ ما این‌طور است
۷	گاهی شرکت در مناسک جمعی مانند نماز جماعت، به مصلحت نیست؛ زیرا موجب بدگمانی مردم درباره فرد می‌شود
	ارتباط با خدا می‌تواند به‌صورت جدا از دین و به‌شکل فردی نیز برقرار شود
	هر کسی می‌تواند به شیوه خود برخی از جنبه‌های دین را به کار ببرد
۸	جامعه باید بخشی از انرژی خود را صرف حل و فصل اختلافات کند مطلوب نیست اما وجود دارد.
	وجود تنوع، موجب پویایی و سرزندگی در جامعه است
	این حق است برای تعیین سرنوشت این حقی است که برای تأثیرگذاری در امور کشور داریم
۱۱	سفرهای سیاحتی
۱۳	مهم نتیجه عمل است
	تأثیری که عمل بر اطرافیان و در نهایت خود فرد می‌گذارد
	قانون
۱۵	علم مدرن جزئی‌نگر و محدود است
	دستاوردهای علم گاهی موجب پیامدهای منفی درازمدت می‌شود که همان لحظه از آن آگاه نیستیم
	علم هنوز در ابتدای راه خود قرار دارد و باید به آن فرصت داد
	علم ممکن است ناقص باشد اما فوائد زیادی برای انسان داشته است

در ادامه، از پاسخگویان بخش پیمایشی خواسته شد در برابر هر پرسش، استدلالی را که بیشترین نزدیکی را به نگرش ایشان دارد مشخص کنند. سپس، هر پاسخگو با توجه به پاسخ‌های خود، در یکی از دو گروه دارای منبع معرفت علمی یا دینی قرار می‌گرفت. برای این کار بدین‌گونه عمل شد که انتخاب گزینه‌های موردنظر روحانیان به‌معنای اختصاص یافتن کد ۱ و انتخاب پاسخ‌های استادان دانشگاه به‌معنای کد ۲ برای پاسخگو بود. پس از جمع‌کردن نمره‌های مشارکت‌کنندگان، مقیاسی فاصله‌ای به‌دست آمد که در آن، پاسخگویان دست‌کم نمره ۹ و حداکثر نمره ۱۸ کسب می‌کنند. درنهایت، برای تقسیم‌کردن پاسخگویان به دو دسته، با استفاده از میانگین نمره‌های قابل کسب، افرادی که نمره کمتر از ۱۳,۵ کسب کردند، متعلق به منبع معرفت دینی شناخته شدند، و افراد دارای نمره بالاتر از ۱۳,۵ در فهرست کسانی جای گرفتند که معرفت غالب در میان ایشان، معرفت دینی است.

اعتبار و پایایی

پژوهش حاضر را می‌توان دارای حساسیت و اعتبار تفسیری دانست؛ چراکه تلاش شد با کندوکاو هرچه بیشتر در پاسخ‌ها، عمیق‌ترین لایه‌های معنایی نهفته در پس ذهن مشارکت‌کنندگان آشکار شود و درعین‌حال، از ورود به حوزه‌ها یا موقعیت‌هایی خودداری شود که احتمالاً موجب مخدوش شدن جریان اطلاعات می‌شود. علاوه بر ملاحظات و ظرافت‌های مربوط به بخش جمع‌آوری داده‌ها، در ادامه فرایند پژوهش نیز در صورت لزوم با مراجعه به نظر سوم شخصی که نقش داور را ایفا می‌کرد و گاه با رجوع دوباره به مشارکت‌کننده، ابهامات موجود در تفسیر روایت‌های ایشان برطرف می‌شد. به بیان روش‌شناختی، می‌توان این اقدامات را تکنیک-های کسب اطلاعات دقیق موازی^۱ و کنترل‌های اعضا (عباس‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۴) یا به تعبیر دیگر، تطبیق از طریق اعضا^۲ نامید.

پژوهش کیفی تفسیری بر مبنای معیاری ارزیابی می‌شود که به اعتمادپذیری یا شاخص قابلیت اعتماد^۳ موسوم است. این معیار به‌معنای متقاعدکننده بودن یافته‌ها و قدرت الهام‌بخشی به مطالعه‌های دیگر است. معیار اعتمادپذیری خود شامل باورپذیری^۴، اطمینان‌پذیری^۵،

^۱ Peer Debriefing

^۲ Member Checking

^۳ Trustworthiness

^۴ Credibility

^۵ Dependability

تأییدپذیری^۱ و انتقال‌پذیری^۲ است (محمدپور، ۱۳۸۹: ۱۶۷). پژوهش حاضر با مراجعه مجدد به دو گروه شناخته‌شده‌ای که بخش کیفی در میان ایشان اجرا شده‌است و نیز استفاده از تکنیک کسب اطلاعات دقیق موازی، ویژگی باورپذیری را احراز کرده‌است. همچنین، با استفاده از روش نظام‌مند و مدون جهت جمع‌آوری داده‌ها، معیار اطمینان‌پذیری نیز محقق شده‌است. هم‌زمانی مراجعه به دو گروه، تجزیه و تحلیل هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌ها و ارائه نتایج به مخاطبان متخصص و نسبتاً متخصص به اطمینان‌پذیری فرآیند پژوهش و ثبات روند جمع‌آوری داده‌ها در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون یاری رسانده‌است. سومین معیار مطرح‌شده در این زمینه تأییدپذیری است. اگر تأییدپذیری را "معیاری تدریجی و مداوم" بدانیم که بنیادین‌ترین شیوه در آن «روشن‌گذاشتن یک ضبط صوت در زمان مصاحبه است» (استرابت اسپیزاله و کارپنتر، ۱۳۸۹: ۶۱)، ضبط کردن تمام مصاحبه‌ها و امکان مراجعه چندباره به گفته‌های مشارکت‌کنندگان و تأکیدها و جمله‌بندی‌های ایشان این معیار را نیز برآورده می‌سازد. یکی از معیارهای مرتبط با تأییدپذیری، اعتبار توصیفی است که به بیان ماکسول، منظور از آن این است که «هنگامی که اظهارنظری از یک شخص را در پژوهش استفاده می‌کنید، تا چه حد مطمئن هستید که او واقعاً آن را مطرح کرده‌است یا اینکه شما صحبت او را اشتباه شنیده یا تفسیر کرده‌اید (ماکسول، ۱۹۹۲: ۲۸۶).

در تحقیق حاضر، برای دستیابی به اعتبار از پیش‌آزمون استفاده شد. بدین ترتیب که مجموعه‌ای با ۵۰ پرسش‌نامه، محتوی استدلال‌های استخراج‌شده از مصاحبه‌ها، و مجموعه دیگری به صورت پرسش‌های باز بین افراد عادی توزیع شد تا مشخص شود که آیا گزینه‌های هر بعد جامعیت کافی دارند یا خیر. پس از بررسی نتایج، مشخص شد که اکثر قریب‌به‌اتفاق پاسخ‌ها در چارچوب تهیه‌شده می‌گنجند و از این نظر تمام جنبه‌های ممکن در نظر قرار گرفته‌اند.

در محاسبه انواع معرفت، آلفای کرونباخ نیز محاسبه شد که بر این اساس، آلفای متغیر معرفت اثباتی برابر با ۰,۷۳ و آلفای متغیر معرفت دینی برابر با ۰,۸۴ است و از این نظر، انسجام درونی گویه‌ها پذیرفتنی است.

¹ Confirmability

² Transformability

ارائه یافته‌ها

با توجه به روش‌شناسی پژوهش، یافته‌های آن در دو بخش کیفی و کمی جای می‌گیرند. ابتدا، براساس نظریه شلر و با استفاده از نمونه‌گیری معروف به گروه‌های شناخته‌شده، به‌سراغ استادان دانشگاه ازیک‌سو، و روحانیان، از سوی دیگر، رفتیم تا نحوه استدلال و محورهای مهم موجود در این‌زمینه را درباره هر دو گروه کشف کنیم. با بررسی ابعاد و ویژگی‌های پنهان در برداشت هر گروه نسبت به محورهای مشاهده‌شده، برساختن نمونه‌هایی ذهنی¹ از هر گروه میسر شد. برآیند نظرهای هر گروه درباب یک موضوع و بیشترین فراوانی مشاهده‌شده در استدلال‌ها، وجه مشخصه آن گروه در آن موضوع خاص تلقی می‌شود و چنانچه در یکی از محورها، واریانس درون‌گروهی در یک گروه، به‌شدت بالا یا واریانس بین‌گروهی به‌شدت پایین باشد، آن محور به این‌دلیل که قادر به تفکیک مؤثر بین دو گروه نیست کنار گذاشته می‌شود.

دارندگان منبع معرفت دینی

پس از جمع‌آوری داده‌های بخش کیفی، مشخص شد که افراد دارای معرفت دینی زیاد، در پاسخ به پرسش‌های مطرح‌شده، از الگوهای یکسانی به شرح ذیل استفاده می‌کنند:

- درباره ابعاد خانواده، به تعداد زیاد می‌اندیشند، تقسیم کار جنسیتی را می‌پذیرند، اما در برابر آن نرمش‌های خاص خود را دارند. ضمن اعتقاد به آزادی زنان برای تصمیم‌گیری در بسیاری از شئون زندگی، همچنان در مسائل حساسیت‌برانگیز به تفاوت در تکالیف دو جنس معتقدند.
- دین‌داری فردی را، در بهترین حالت، ناقص و در بدترین حالت، بدعت و انحرافی در دین می‌دانند. به‌عقیده ایشان، تنوع در دین پدیده‌ای مطلوب نیست، اما مجوزی برای بدرفتاری با اقلیت‌های دینی نیز وجود ندارد. خصوصاً، به‌دلیل آنکه پیامبر و الگوهای بزرگ جهان معاصر نیز با مسالمت با ادیان دیگر تعامل می‌کردند.
- رأی‌دادن در انتخابات و دیگر جلوه‌های مشارکت سیاسی را ابزاری برای عمل به وظیفه‌ای می‌دانند که در صورت کوتاهی کردن درباب آن باید پاسخگو باشند.
- خیر یا شر بودن اعمال را ناشی از ذات آن یا نیت فاعل آن می‌دانند. به‌عقیده ایشان، ما در برابر عملی که انجام می‌دهیم یا نمی‌دهیم مسئولیم و نه در برابر پیامدهای آن. این اعمال، که نام تکلیف به خود می‌گیرند، ضمانت اجرایی مستقل از منابع این‌جهانی دارند و صرفاً در حیطه امر مقدس می‌گنجد.

¹ Ideal Type

- انسان را در پاسخ دادن به مسائل و مشکلات این جهانی ناتوان می‌دانند و لزوم استمداد از نیرویی ماورائی را برای پرهیز از درافتادن به ورطه تباهی، حتمی می‌شناسند. این نگاه، به حوزه علم نیز تسری داده شده و علم از دریچه تعاملی که با دین دارد ارزیابی می‌شود.
- مقصد ایشان، خصوصاً در مسافرت‌هایی که به برنامه‌ریزی بلندمدت نیاز دارد، عمدتاً امکان زیارتی است و در انتخاب مقصد حساسیت زیادی به خرج می‌دهند تا تفاوت‌های فرهنگی مشکلی برای ایشان یا خانواده فراهم نیابد.

دارندگان منبع معرفت علمی

- براساس نتایج بخش کیفی، در ابعاد سنجیده شده، نمونه ذهنی دارندگان معرفت علمی رایج را می‌توان این‌گونه توصیف کرد:
- درباره خانواده، به تعداد حتی‌المقدور کم و نهایتاً دو فرزند معتقدند و نیز تقسیم کار جنسیتی را به نفع تقسیم کاری منعطف‌تر برپایه برابری و احترام متقابل و نیز توانایی‌های اعضای خانواده کنار می‌گذارند. ایشان به حد زیادی از برابری جنسیتی پایبندند و تبعیض جنسیتی در حوزه‌هایی نظیر آموزش و اخلاقیات را نمی‌پذیرند.
- به لحاظ دینی، به تکثر و تنوع اعتقاد دارند و حتی آن را برای جامعه مفید می‌دانند. این تکثر تنها شامل ادیان اصلی و از پیش موجود نمی‌شود، بلکه قرائت‌های جدید و فردگرایانه از دین را نیز دربرمی‌گیرد.
- در حوزه سیاست، به حق خود برای تأثیرگذاری بر سرنوشت خود و آینده کشور قائل‌اند و از این حق استفاده می‌کنند.
- ملاک ایشان برای قضاوت درباب خیر یا شر بودن پدیده‌ها مبتنی بر کدهای پیشینی نیست و پیامدها و نتایج عمل معیار قضاوت هستند. آنها خود را درباره پیامد عمل مسئول می‌دانند و نه نفس عمل.
- درباب نگاه به علم و توانایی انسان، نوعی خوش‌بینی همراه با احتیاط دارند. از نظر ایشان، به رغم آنکه پیامد برخی از تصمیمات انسان‌ها در سال‌ها و حتی قرون گذشته اکنون مشخص شده‌است، همچنان دلیل کافی برای اطمینان به علم و بازگذاشتن دست انسان وجود دارد.
- درنهایت، برای سفر، مقاصد گردشگری را به مقاصد زیارتی ترجیح می‌دهند و محدودیتی در مقاصد ممکن در نظر نمی‌گیرند.

نتایج بخش کمی

با توجه به نتایج پیمایش، سهم هریک از ابعاد سنجیده شده در بخش پیشین، و در نهایت، وزن نسبی هریک از دو نوع معرفت در میان شهروندان شهر رشت محاسبه می شود.

جدول ۴. میزان موافقت پاسخگویان با استدلال‌های دارندگان معرفت علمی و دینی

ابعاد	معرفت علمی		معرفت دینی	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد فرزندان مطلوب	۳۰۷	۷۷,۹	۸۷	۲۲,۱
تقسیم کار جنسیتی	۳۰۳	۷۶,۹	۹۱	۲۳,۱
رابطه جنسی پیش از ازدواج	۲۷۸	۷۰,۶	۱۱۶	۲۹,۴
دین‌داری فردی	۲۲۸	۵۷,۹	۱۶۶	۴۲,۱
تنوع دینی	۱۸۰	۴۵,۷	۲۱۴	۵۴,۳
مشارکت سیاسی	۲۹۲	۷۴,۱	۱۰۲	۲۵,۹
معیار خیر و شر بودن عمل	۱۷۰	۴۳,۱	۲۲۴	۵۶,۹
نگاه به علم	۱۴۳	۳۶,۳	۲۵۱	۶۳,۷
مقصد مسافرت	۳۳۴	۸۴,۸	۶۰	۱۵,۲

با توجه به نتایج، به لحاظ تعداد فرزندان مطلوب برای خانواده، غالب پاسخگویان (۷۷,۹ درصد) از استدلال‌های متعلق به حوزه علم استفاده می کنند. در این بُعد، بیشترین درصد فراوانی مشاهده شده مربوط به گزینه "حداکثر دو فرزند" (۵۰,۶ درصد) و کمترین درصد فراوانی مشاهده شده متعلق به گزینه "بدون فرزند" (۵,۹ درصد) است که هر دو را استادان دانشگاه مطرح کرده اند. در میان گزینه‌های روحانیان نیز گزینه "تاجایی که از هر جنس دست کم دو فرزند داشته باشند" با ۹,۹ درصد بیشترین درصد فراوانی مشاهده شده را داراست.

در حوزه تقسیم کار در منزل، بیش از سه چهارم پاسخگویان از الگوهای رفتاری متعلق به حوزه علم پیروی می کنند. بیشترین موافقت با گزینه "همکاری در امور منزل سبب لذت بردن از زندگی مشترک و شکوفاشدن عشق و محبت می شود" (۲۸,۹ درصد) صورت گرفت که متعلق به دارندگان منبع معرفت علمی است. در میان استدلال‌های گروه روحانیان، گزینه "پیامبر اسلام نیز بر تقسیم کار بین زوجین تأکید داشتند" با ۱۰,۲ درصد بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است.

در باره رابطه جنسی پیش از ازدواج، نظر پاسخگویان به اهالی علم نزدیک تر بوده است و اغلب (۷۰,۶ درصد) از استدلال‌های این گروه بهره برده اند. بیشترین موافقت با گزینه "برای

هر دو زشت است" (۴۳ درصد) به دست آمده است که دارندگان معرفت علمی مطرح کرده اند و کمترین مورد، به گزینه "انتظار چنین عملی از یک دختر کمتر از پسر است" (۴,۱ درصد) مربوط می شود.

هنگام پرسش درباره امکان برداشت فردی از دین، اکثر پاسخگویان (۵۷,۹ درصد) با الگوهای نزدیک به اهالی علم موافق بوده اند. البته، این اکثریت غالب نیست و اندکی بیش از نیمی از پاسخگویان را در بر می گیرد. بیشترین سهم متعلق به افرادی است که معتقدند "ارتباط با خدا می تواند به صورت جدا از دین و به شکل فردی نیز برقرار شود" (۳۸,۵ درصد). از سوی دیگر، کمترین فراوانی مشاهده شده، به گزینه "گاهی شرکت در مناسک جمعی مانند نماز جماعت، به مصلحت نیست؛ زیرا موجب بدگمانی مردم درباره فرد می شود" (۴,۳ درصد) اختصاص دارد که باز هم متعلق به گروه دارندگان منبع معرفت علمی است.

به لحاظ استقبال از تنوع دینی در جامعه، با نسبتی تقریباً معکوس، با اعتقاد به برداشت فردی از دین، با استدلال های روحانیان موافق بوده اند (۵۴,۳ درصد). در این میان، بیشترین سهم به گزینه "وجود تنوع موجب پویایی و سرزندگی در جامعه است" (۲۸,۸ درصد) مربوط است که متعلق به استادان دانشگاه است. این گویه یگانه موردی است که تفاوت بین دو منبع معرفت در سطح جامعه در آن به لحاظ آماری معنادار نیست و نمی توان از غلبه یک نوع معرفت در میان پاسخگویان سخن گفت.

در زمینه تقابل نگاه اهل علم و اهل دین به موضوع انتخابات، حدوداً سه چهارم پاسخگویان (۷۴,۱ درصد)، با نظر اهل علم موافقت کرده اند. بیشترین درصد فراوانی مشاهده شده به گزینه "این حق است برای تعیین سرنوشت" (۳۹,۷ درصد) متعلق بوده است.

به لحاظ معیار و ملاک خیر یا شر بودن عمل، اکثریت نه چندان قاطع پاسخگویان (۵۶,۹ درصد) با استدلال های اهل دین موافق بوده اند. پاسخگویان بیشترین موافقت را با گزینه "اصل، ذات عمل یا نیت فاعل است" (۳۰,۶ درصد) نشان دادند و کمترین درصد فراوانی مشاهده شده به گزینه "مهم نتیجه عمل است" (۱۰,۲ درصد) اختصاص دارد.

در باب متغیر نگاه به علم، که از اهمیتی دوگانه در این پژوهش برخوردار است (زیرا از یک سو به مثابه یکی از ملاک های تمییز بین دو منبع مورد بحث است و از سوی دیگر، نگاه ایشان به موضوع علم را نیز بررسی می کند)، پاسخگویان با روحانیان هم نظرترند (۶۳,۷ درصد). البته، بیشترین موافقت با گزینه "علم ممکن است ناقص باشد اما فواید زیادی برای انسان داشته است" (۱۶,۸ درصد) اظهار شده است که متعلق به دارندگان منبع معرفت علمی است، اما دو

بررسی توزیع انواع منابع معرفت.....

گزینۀ "علم باید همیشه تحت نظارت و هدایت و راهنمایی دین باشد تا به درستی عمل کند" و "به کارگیری درست علم، موجب درک بهتری از آموزه‌های دینی می‌شود"، که متعلق به دارندگان معرفت دینی‌اند، هرکدام با ۱۶,۵ درصد، در مرتبۀ بعدی قرار می‌گیرند. در تعیین مقصد محبوب، اکثریت قاطعی از افراد (۸۴,۸ درصد)، به اماکنی از جنس اماکن مورد نظر اهالی علم اشاره کرده‌اند که اغلب هدف سیاحت را دنبال می‌کنند. با جمع‌بندی نمره‌هایی که پاسخگویان در ابعاد گوناگون کسب کردند، سهم هریک از انواع معرفت در جهت‌گیری‌های روزمره پاسخگویان مشخص شد. بدین ترتیب، با توجه به شیوۀ نمره دهی، افرادی که نمره ایشان بیش از میانگین ممکن برای جامعه بود، دارای معرفت علمی بیشتر، و بقیه دارای معرفت دینی پررنگ‌تر قلمداد شدند.

جدول ۵. توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب منابع معرفت

منابع معرفت	فراوانی	درصد
دین	۹۵	۲۴,۱
علم	۲۹۹	۷۵,۹
مجموع	۳۹۴	۱۰۰

جدول ۶. نتایج آزمون رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای و برخورداری از منابع معرفت

روابط بین متغیرها	نوع آزمون	سطح معناداری	نتیجه
رابطه بین جنسیت و برخورداری از منابع معرفت	کی دو	۰,۹۶۱	عدم رابطه بین دو متغیر
رابطه بین وضعیت تأهل و برخورداری از منابع معرفت	کی دو	۰,۰۸۸	عدم رابطه بین دو متغیر
رابطه بین منزلت شغلی و برخورداری از منابع معرفت	کی دو (با تصحیح اگزکت فیشر)	۰,۰۳۷	رابطه معنادار بین دو متغیر
رابطه بین درآمد و برخورداری از منابع معرفت	U مان-ویتنی	۰,۰۳۷	رابطه معنادار بین دو متغیر
رابطه بین سن و برخورداری از منابع معرفت	U مان-ویتنی	۰,۰۱۴	رابطه معنادار بین دو متغیر
رابطه بین تحصیلات و برخورداری از منابع معرفت	U مان-ویتنی	۰,۰۰۰	رابطه معنادار بین دو متغیر

چنان‌که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، تقریباً یک‌چهارم پاسخگویان به‌طور کلی رویکردی دین محور به مسائل مطرح‌شده دارند و سه‌چهارم دیگر، نظری نزدیک به آرای اهل علم داشته‌اند.

براساس نتایج چند آزمون انجام‌گرفته، متغیرهایی همچون جنسیت و وضعیت تأهل، رابطه معناداری با برخورداری از نوع خاصی از معرفت ندارند و منزلت شغلی، درآمد، سن و میزان تحصیلات، با این متغیر رابطه معناداری دارند. در نتیجه، از روی مرد یا زن بودن و مجرد یا متأهل بودن افراد نمی‌توان نوع معرفت غالب نزد ایشان را پیش‌بینی کرد، اما داشتن منزلت شغلی بالاتر، درآمد بیشتر، سن پایین‌تر و نیز تحصیلات بالاتر به معنای احتمال برخورداری بیشتر از معرفت علمی است.

خلاصه و نتیجه‌گیری

شمار معرفت را نوعی رابطه وجودشناختی می‌داند که در آن، داننده و دانسته به اتحادی استعلایی با یکدیگر می‌رسند. برای او، رابطه طرز فکر^۱ با معرفت، نشان‌دهنده نقش بنیادینی است که ارزش در شکل‌گیری معرفت دارد. هر نظام معرفتی، نظم ارزشی^۲ خاص خود را دارد. این نظم ارزشی است که علاقه‌مندی را تعیین می‌کند. بدین معنا که مشخص می‌کند چه چیزی در زیست جهان حائز اهمیت است. پژوهش حاضر تمرکز خود را بر استخراج این نظم ارزشی در میان دارندگان دو نوع معرفت اساسی و تأثیرگذار در ایران معاصر قرار داده است. از روی ارزش‌هایی که فرد برای خود تعریف می‌کند، می‌توان به دانسته‌های او و در نتیجه، تصمیماتی که خواهد گرفت پی برد. از سوی دیگر، هر نوع معرفت دارای منبع و همچنین، شکل ظهور مختص به خود است. این امر به تصمیم‌گیری‌های متفاوتی منجر می‌شود و در نهایت بینش خود را معطوف به ماهیت امور می‌کند. ممکن است، گه‌گاه، تعارضی در میان گروه‌های متفاوت مرتبط با انواع گوناگون معرفت ایجاد شود. این وظیفه پدیدارشناس است که نشان دهد این تفاوت‌های آشکار چگونه به وجود می‌آیند و چگونه می‌توان آنها را حل کرد. به همین سبب، در این پژوهش نیز با رویکردی پدیدارشناختی، تلاش شد معانی حاملان دو نوع معرفت از خلال مصاحبه‌های عمیق استخراج شود تا تفاوت‌های بین دو گروه از نظر نظم ارزشی و نیز طرز فکر آشکار شود و سپس، با مراجعه به متن جامعه، وزن و سهم هریک از این دو نوع معرفت در میان بدنه جامعه تعیین شود.

¹ Mindset

² Order of Value

چنان‌که در نظریه شلر آمده‌است، یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در میان انواع گوناگون منابع معرفت، انگیزه است. با این‌رویکرد، به‌نظر می‌رسد که استادان دانشگاه، به‌منزله حاملان معرفت اثباتی، اغلب نگرشی این‌جهانی و انسان‌گرایانه به محیط اجتماعی پیرامون خود دارند. بنابر استدلال شلر، این نکته ناشی از تفاوت در کیفیت عشق درمیان دارندگان انواع گوناگون معرفت است. روحانیان اغلب ارزش‌ها و نگرش‌های معنوی برآمده از مراجع دینی را ملاک تصمیم‌گیری درباب امور جاری زندگی قرار می‌دهند. در این‌گفتمان، اولویت با ارزش‌هایی نظیر جمع‌گرایی و وظیفه‌گرایی است؛ به‌طوری‌که هنگام صحبت از مشارکت سیاسی، برخلاف استادان دانشگاه، اغلب وجه تکلیف‌گونه آن در نظر قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، این‌معرفت جهان را برای افراد معنادار می‌کند. بدین‌دلیل که هنگام بحث از خیر و شر، برای استادان دانشگاه که رویکردی عمل‌گرایانه را برمی‌گزینند، مهم‌ترین معیار برای قضاوت درباب یک پدیده، پیامدها و نتایج آن است، درحالی‌که برای گروه روحانیان، قداست یا خباثت یک پدیده ناشی از ارزش‌ها و باورهای پیشینی است که در جامعه وجود دارد.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۰)، مدرنیته ایرانی، روشنفکران و پارادایم فکری عقب ماندگی در ایران، چاپ اول، تهران، نشر اجتماع
- ادیب حاج‌باقری، محسن، سرور پرویزی و مهوش صلصالی (۱۳۹۰) *روش‌های تحقیق کیفی*، چاپ سوم، تهران: بشری.
- استرابت اسپیژیاله، هلن جی و دونا رینالدی کارپنتر (۱۳۸۹) *تحقیقات کیفی در پرستاری*، ترجمه آلیس خاچیان و مصطفی شوکتی احمدآباد، تهران: سالمی-جامعه‌نگر.
- باشلار، گاستون (۱۳۸۵) «معرفت‌شناسی»، در: *گزینه نوشته‌ها*، به‌کوشش دومینیک لوکور، ترجمه جلال ستاری، چاپ دوم، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بکر، هاوارد و هلموت اوتودالک (۱۳۶۷) «جامعه‌شناسی معرفت ماکس شلر»، *نامه علوم اجتماعی*، جلد اول، شماره ۲: ۳۵-۴۸
- بلیکی، نورمن، ۱۳۸۴، طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، نشر نی، تهران
- توفیق، ابراهیم (۱۳۸۵) «مدرنیسم و شبه‌پاتریمونیالیسم (تحلیلی از دولت در عصر پهلوی)»، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره هفتم، شماره ۱: ۹۳-۱۲۵.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۷۲) *نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب*، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.

- دوستدار، آرامش (۱۳۷۰) *امتناع تفکر در فرهنگ دینی*، چاپ دوم، پاریس: خاوران.
- ذاکرزاده، ابوالقاسم (۱۳۸۷) *فلسفه ماکس شلر (منطق دل)*، تهران: الهام.
- ذوالفقاری، ابوالفضل و اکرم محبی (۱۳۹۳) «انواع دین‌داری و اخلاق کار. مورد مطالعه: کارمندان دانشگاه زنجان»، *راهبرد فرهنگ*، شماره ۲۶: ۱۷۸-۱۴۷
- ربانی خوراسگانی، علی و زهرا ماهر (۱۳۹۲) *مقدمه‌ای بر مکاتب و نظریه‌های جدید در جامعه‌شناسی معرفت و علم (جستاری در تبیین رابطه معرفت و فرهنگ)*، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- زمردی، محمدرضا (۱۳۸۲)، بررسی رابطه میان تحصیلات دانشگاهی با گرایش‌های دینی (دانشجویان دانشگاه گیلان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان
- شجاعی‌زند، علی‌رضا (۱۳۸۴) «مدلی برای سنجش دین‌داری در ایران»، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره ششم، شماره ۱: ۶۶-۳۴
- طباطبایی، سیدجواد (۱۳۸۶) *ابن‌خلدون و علوم اجتماعی (وضعیت علوم اجتماعی در تمدن اسلامی)*، چاپ سوم، تهران: طرح نو.
- عباس‌زاده، محمد (۱۳۹۱) «تأملی بر اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست‌وسوم، شماره ۱: ۳۴-۱۹
- کتابی، محمود، فریدون وحید و وحید قاسمی (۱۳۸۰) «گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی دانشجویان شاغل به تحصیل در ایران»، *مجله دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان*، دوره دوم، شماره ۲۶ و ۲۷: ۱۰۸-۷۷.
- کوزر، لوئیس و همکاران (۱۳۸۹) *جامعه‌شناسی معرفت: سیر تاریخی، نظریه‌ها و چشم‌اندازها*، ترجمه جواد افشارکهن، تهران، نشر پژوهاک.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۹) *روش در روش*، درباره ساخت معرفت در علوم انسانی، تهران: جامعه‌شناسان.
- مسرور علی‌نوده‌ی، مرتضی (۱۳۸۸) بررسی رابطه بین گرایش دینی و شخصیت دموکراتیک، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان.
- میرسپاسی، علی (۱۳۸۴) *تأملی بر مدرنیته ایرانی*، ترجمه جلال ترکیان، تهران: طرح نو.
- نیچه، فردریش (۱۳۸۹) *فلسفه، معرفت و حقیقت*، ترجمه مراد فرهادپور، چاپ چهارم، تهران: هرمس.
- همتی، رضا (۱۳۹۰) *مطالعه جامعه‌شناختی مناسبات علم و جامعه (بررسی موردی حوزه‌های علوم پایه و فنی دانشگاه اصفهان)*، پایان‌نامه دکتری رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان.

همیلتون، پیتر (۱۳۸۰) شناخت و ساختار اجتماعی، ترجمه حسن شمس‌آوری، تهران: مرکز.

- Comte, Auguste (2009) A General View of Positivism, Translated by J. H. Bridges, New York, Cambridge University Press.
- Maxwell, Joseph A. (1992) Understanding and Validity in Qualitative Research, Harvard Educational Review.
- Pickering, Mary (2009) August Comte: An intellectual biography, Volume III, Cambridge university press.
- Pouryoussefi, Hamid (1984) College impact on religiosity of muslim students studying in the United States, Western Michigan University, Ph.D.
- Ritzer, George (Ed) (2005) Encyclopedia of social theory, Sage publications, Vol. 2.
- Scheller, Max (1977) Erkenntnis und Arbeit; Translated by Zachary Davis (Cognition and work).
- Wernick, Andrew (2003) Auguste Comte and the religion of Humanity, New York, Cambridge University Press.